©2019 ASP Ins., Afarand Scholarly Publishing Institute, Iran

ISSN: 2251-6166: Journal of Quran and medicine, 2020:5(2): 70-76

Analyzing the Place of Sharia Intentions in the Legitimacy of Medical Fertility

Downloaded from quranmed.com at 12:57 +0430 on Saturday July 17th 2021

ARTICLE INFO

Article Type
Analytical Review

Aurhors
Mahmoud Shirafkan [1],
Mohammad Ali Heidari [2*],
Ehsan Ali Akbari [3]

How to cite this article
Mahmoud Shirafkan, Mohammad Ali Heidari, Ehsan Ali Akbari Analyzing the Place of Sharia Intentions in the Legitimacy of Medical Fertility, Journal of Quran and Medicine. 2020;5(2):10-76.

[1] PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

[2] Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Correspondig Author).

[3] Assistant Professor Visiting, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. Assistant Professor

Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Isfahan, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

** Correspondence:*
Address:
Phone:
Email: ma1.heidari@yahoo.com

Article History
Received: 2020/07/10
Accepted:2020/10/19
ePublished: 2020/10/19

ABSTRACT

Purpose: Infertility is one of the phenomena that has been raised as a major problem for some families. However, medical science has taken measures to solve this problem, which is necessary for the legitimacy of these practices, considering the public following the Islamic rules. The jurists have expressed various opinions in this regard, but in the meantime, what has not been discussed is the position and influence of the purposes of the Shari'a and the verses expressing the purposes in the legitimacy of medical fertility. Accordingly, the main question of the research is "What effect do the purposes of Sharia have on the legitimacy of medical fertility?" The purpose of this study is to analyze the position of Sharia intentions in the legitimacy of medical fertility.

Methods: This research has been carried out by the method of library studies and in a descriptive-analytical manner, which has been obtained and analyzed by referring to Quranic, narrative and scientific texts.

Findings: The results show that verses such as "I created you to fast Yath I Zvaja Nfskm Ltsknva Lyha Vjl Bynkm love mercy ..." (I: 21) and other evidence suggest great religious purposes, it's important to say that Preservation of the family unit and cohesion and love between couples have been the main purposes of marriage legislation in the view of the holy shari'a, so actions and behaviors such as medical fertility that are in line with this purpose of the law have legitimacy.

Conclusion: Based on what we have brought so far, a child born through artificial insemination is pure in all the above cases, and its owners are the first two, namely the sperm and the first, his parents, and he has all the rights and It is the duties that every other child has, whether one of the two owners of those first components or both are known and definite or unknown and indefinite.

Keywords: Verses Indicating the Purposes of Sharia, the Purposes of Sharia, Medical Fertility, Artificial Insemination, Advanced Methods of Assisted Reproduction.

Downloaded from quranmed.com at 12:57 +0430 on Saturday July 17th 2021

تحلیل جایگاه مقاصد شریعت در مشروعیت باروری های پزشکی

محمود شیرافکن [۱]،
دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
محمدعلی حیدری [۲]
استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول)
احسان علی اکبری [۳]
استادیار مدعو گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، اصفهان، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده
هدف: مساله ناباروری یکی از پدیده هایی است که برای برخی از خانواده ها به عنوان معضل اساسی مطرح شده است؛ اما علم پزشکی برای رفع این مشکل چاره اندیشی هایی کرده است که با توجه به پیروی عموم مردم از احکام اسلامی، مشروعیت داشتن این اعمال ضروری است. فقها در این باره نظرات گوناگونی بیان کرده اند اما در این میان آنچه که مورد بحث قرار نگرفته است، جایگاه و تاثیر مقاصد شریعت و آیات مُبیّن مقاصد در مشروعیت باروری های پزشکی است. بر این اساس پرسش اصلی پژوهش عبارت است از اینکه «مقاصد شریعت چه تاثیری در مشروعیت باروری های پزشکی دارد؟». هدف پژوهش تحلیل جایگاه مقاصد شریعت در مشروعیت باروری پزشکی می باشد.
مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی ـ تحلیلی انجام شده است که با مراجعه به متون قرآنی و روایی و علمی اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.
یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آیات شریفه ای همچون «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...»(روم: ۲۱) و سایر ادله مُبیّن مقاصد شریعت این مهم را به خوبی بیان می نمایند که حفظ کانون خانواده و پیوستگی و محبت بین زوجین از مقاصد اصلی تشریع ازدواج در نظر شارع مقدس بوده است لذا افعال و رفتارهایی همچون باروری های پزشکی که همسو با این مقصد شریعت قرار گیرد دارای مشروعیت است.
نتیجه گیری: بر پایه آنچه تاکنون آوردیم، فرزندی که از راه باروری مصنوعی پدید می آید، در همه صورتهای یاد شده، پاک است و صاحبان آن دو جز نخستین، یعنی اسپرم و اوول، پدر و مادر او هستند و او دارای همه حقوق و تکالیفی است که هر فرزند دیگر دارد، خواه یکی از دو صاحب آن اجزای نخستین یا هر دو، شناخته و معین باشند و خواه ناشناخته و نامعین.

واژه های کلیدی: آیات مبُیّن مقاصد شریعت، مقاصد شریعت، باروری پزشکی، تلقیح مصنوعی، روشهای پیشرفته کمکی تولید مثل.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۸

***نویسنده مسئول:** ma1.heidari@yahoo.com

مقدمه
در دنیای کنونی، ناباروری مسئله ای شایع و نگران کننده برای زوجین تلقی شده و از این رو، یکی از موضوعاتی که امروزه مورد توجه و ابتلای برخی از آنان قرار گرفته و سوالات فراوانی را برانگیخته «تلقیح مصنوعی یا روش های نوین تولید مثل» است. این موضوع، اگرچه بحثی نوپیداست، ولی ارتباط آن با سایر مسائل فقهی- حقوقی و ربط وثیقش با مباحث پزشکی، اقتضای جستاری کامل را فرا روی پژوهشگران قرار داده است؛ چرا که این مسئله با پیشرفت فن آوری های زیست پزشکی، رشدی فزاینده یافته و نتایج قابل ملاحظه ای بر آن مترتب شده است. با توجه به پیروی عموم مردم از احکام اسلامی، مشروعیت داشتن این اعمال ضروری است. فقها در این باره نظرات گوناگونی بیان کرده اند. همچنین دانشمندان حقوق و فلسفه اخلاق نیز هر یک از دریچه نظرگاه خود دیدگاهی را ارائه داده اند و برخی موافق با چنین روشهای هستند و برخی نیز با چنین روشهای مخالفت ورزیده و آن را مخالف اصول اخلاقی و در برخی موارد مخالف با برخی اسناد شرعی قلمداد کرده اند؛ اما در این میان آنچه که مورد بحث قرار نگرفته است، جایگاه و تاثیر مقاصد شریعت و آیات مُبیّن مقاصد در مشروعیت باروری های پزشکی است. بر این اساس پرسش اصلی پژوهش عبارت است از اینکه «مقاصد شریعت چه تاثیری در مشروعیت باروری های پزشکی دارد؟». برای یافتن پاسخ مناسب برای این پرسش در گام اول به مفهوم شناسی مقاصد شریعت، تلقیح مصنوعی و روش پیشرفته کمکی تولید مثل پرداخته می شود. در گام بعدی ادله مشروعیت باروری های پزشکی از دیدگاه مقاصد شریعت بررسی و تبیین می گردد و در گام نهایی نظریه رقیب و ادله آن که معتقد به عدم مشروعیت باروری های پزشکی است در ترازوی بررسی و نقد قرار می گیرد.
مقاصد شریعت: مقاصد جمع مَقْصَد از ریشه «قَصَدَ الشَّيْءَ وَ قَصَدَ لَهُ وَ قَصَدَ إِلَيْهِ قَصْدًا» از باب ضَرَبَ به معنای طلب کردن یا اثبات نمودن چیزی است (۱) و ۶ مرتبه در قرآن کریم (مائده، ۶۶؛ توبه، ۴۲؛ نحل، ۹؛ لقمان، ۱۹) استعمال شده است. واژه شریعت در اصل به معنای «راه ورود به آب» است (۲). این کلمه مجموعاً ۵ مرتبه در قرآن کریم (مائده، ۴۸؛ اعراف، ۱۶۳؛ شوری، ۱۳ و ۲۱؛ جاثیه، ۱۸) به کار رفته است. شریعت در این کاربرد بر مجموعه دین اطلاق می‌شود. از این رو شریعت را باید در همه بخشهای دین اعم از عقاید، احکام، اخلاق، گزاره‌های تربیتی و حتی تاریخی منسوب به دین به کار برد؛ بنابراین می‌توان شریعت بالمعنی الاعم را به این کاربرد ناظر دانست.
واژه ترکیبی مقاصد شریعت را می‌توان چنین تعریف کرد: «هِيَ الغَايَاتُ وَ الأَهْدَافُ وَ النَّتَائِجُ وَ المَعَانِي الَّتِي أَتَتْ بِهَا الشَّرِيْعَةُ وَ أَثْبَتَتْهَا فِي الأَحْكَامِ وَ سَعَتْ إِلَى تَحْقِيْقِهَا وَ إِيْجَادِهَا وَ الوُصُوْلِ إِلَيْهَا فِي كُلِّ زَمَانٍ وَ مَكَانٍ» (۳). از این رو علم مقاصد شریعت، علمی است که در پیوند با تشریع قرار دارد و از اهداف کلی یا هدفهای مورد توجه آن در عموم یا انواع بسیاری از این احکام سخن می‌گوید. البته مقاصد بدون لحاظ شرایط آن، قابل اعتماد نیست از آن جمله، مقصد باید ثابت، ظاهر، منضبط و گسترده باشد (۴).
تلقیح مصنوعی: تلقیح در دیدگاه اهل لغت از «لَقَحَ» به معنای آبستن کردن و گشن دادن و «لَقِحَ» به معنای آبستن شدن جنس مؤنث معنا شده است و کلمه «لِقاح» و «لَقاح» به معنای «ماءالفحل» یعنی مایع و آب نرینه است (۲) تلقیح مصنوعی شامل انواع روشهایی است که در آنها تمام مایع منی یا اسپرم بعد از آمادگی یا پرورده شدن، در قسمتهای مختلف اندام تناسلی زن قرار می گیرد و بدون نزدیکی جنسی، امکان برخورد اسپرم و اووسیت را فراهم میکند (۵) تلقیح مصنوعی با نطفه و اسپرماتوزوئید شوهر، تلقیح هومولوگ ((AIH و با نطفه بیگانه تلقیح مصنوعی هترولوگ (AID) نامیده میشود (۶) تلقیح هومولوگ هنگامی ضرورت پیدا میکند که شوهر دارای قابلیت باروری طبیعی بوده، ولی به علت چاقی یا نقص آلت مردانه

Downloaded from quranmed.com at 12:57 +0430 on Saturday July 17th 2021

نتواند اسپرم خود را در رحم بریزد و تلقیح هترولوگ در مواردی مناسب است که ثابت شود ناباروری شوهر غیر قابل درمان است.
روشهای پیشرفته کمکی تولید مثل این نوع از باروری مصنوعی، به تمام روشهایی اطلاق میشود که طی آنها تخمک مستقیما از تخمدان برداشت شده و پس از ترکیب با اسپرم و بارورشدن و یا به همراه اسپرم به اندام تناسلی زن انتقال میابد که عبارتند از: روش بارورسازی در آزمایشگاه (IVF)، انتقال تخم لقاح یافته به لوله های رحمی(ZIFT) ، انتقال رویان در حال تقسیم به لوله های رحمی (TET)، انتقال اسپرم و اووسیت به داخل لولههای رحمی (GIFT)، انتقال تخمک و اسپرم به حفره لگنی (POST) و...
آیه شریفه ۲۱ سوره روم: یکی از ادله مبُین مقاصد شریعت آیه شریفه ۲۱ سوره روم می باشد که می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛) و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت انگیز] نشانه هایی است برای مردمی که می اندیشند». خداوند متعال در این کریمه به صراحت از مقصد تشریع ازدواج پرده بر می دارد و آن را ایجاد آرامش، مودت و رحمت بین زوجین معرفی می نماید. حال در مساله مورد بحث به وضوح دیده می شود، ناباروری، آرامش و مودت و رحمت بین زوجین را تحت تاثیر قرار داده است و اکثر قریب به اتفاق زوجین نابارور دارای مشکلات متعددی شده و آرامش و رحمت و مودت بین آنان مخدوش شده است و کم کم کانون گرم خانواده تبدیل به سردی شده است و برخی از زوجین تنها به خاطر این مساله مجبور به جدایی از یکدیگر می شوند. با توجه به این ضروت و مقصد مهم شریعت قطعا آنچه که به ایجاد آرامش، مودت و رحمت بین زوجین کمک نماید مطلوب شارع مقدس است و در راستای همان اهداف عالی شریعت می باشد؛ بنابراین باروری های پزشکی با رعایت موازین شرعی هم راستا با این آیه شریفه و مقصد عالی شریعت می باشد و می توان مشروعیت آن بلکه استحباب و در برخی موارد که کانون خانواده دچار تزلزل شده و خوف طلاق و جدایی که مبغوض ترین نهاد نزد خداوند است می رود، وجوب چنین رفتارهای پزشکی را نتیجه گرفت.
آیه شریفه ۱۸۵ سوره بقره: یکی دیگر از آیات شریفه قرآن کریم که می تواند در مساله مشروعیت باروری های پزشکی مورد استناد قرار گیرد آیه شریفه ۱۸۵ سوره بقره می باشد. خداوند متعال در این کریمه می فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ (بقره: ۱۸۵) خدا آسانی و راحت شما را می خواهد نه دشواری و مشقت شما را.» مفاد این آیه شریفه و دیگر ادله دینی فقها را به این باور عمومی رسانده است که خداوند آسانی و یسر را برای مردم خواسته است و یکی از مقاصد شریعت و انزال کتب، ایجاد آسانی و یسر برای مردم و دوری آنها از سختی و مشقت است. آنچه که برای انسانها داری عسر و حرج است در اسلام و از دیدگاه شارع مقدس حکم الزامی ندارد و مباح می گردد. از این رو فقها به قاعده نفی عسر و حرج در دین باور دارند. (ر. ک: محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۷۹– ۱۱۱) مفاد این قاعده، نفی حرج در دایره تشریع و قوانین است بدین معنا که در اسلام حکم حرجی وجود ندارد. در نتیجه از آنجا که حکم شارع بر عدم جواز روش های نوین باروری پزشکی موجب مبتلا شدن زوجین نابارور به مشقتی شدید (نداشتن فرزند، روابط سرد، افسردگی، اختلالات روحی– روانی، جدایی عاطفی و قانونی و...) می شود که در شرایط عادی تحمل آن ممکن نیست، در نتیجه استفاده از این روش ها در موارد عسر و حرج جایز می باشد.
قاعده مصلحت: در اندیشه فقهای اسلامی به خصوص فقیهان شیعه، قاعده «مصلحت» دارای جایگاهی ویژه می باشد. این قاعده تا بدان جا اهمیت دارد که باور مشهور «تبعیت احکام از مصالح و مفاسد» در بین فقیهان شیعه نهادینه شده است. (ر.ک: ۷) رسیدن بندگان به مصالح و دوری از مفاسد یکی از مقاصد مهم شریعت محسوب می شود. لذا حضرت امام علی (ع) امام علی (ع) در جمله‌ای موجز و عام که معتزله نیز به آن استناد کرده‌اند، خطاب به امام حسن (ع) می‌فرمایند: «فانه لم یامرک الا بحسن و لم ینهک الا عن قبیح؛ (نهج البلاغه: ۹۱۹) همانا خداوند تو را جز به حسن (مصالح) امر نکرده است و تو را جز از قبیح (مفاسد) نهی نکرده است». این بیان مبین این نکته کلیدی است که خداوند متعال با اوامر و نواهی خود قصد رساندن بندگان را به مصالح و دوری آنها از مفاسد دارد.
قاعده ضرورت: انسان از نگاه قرآن کریم و در فرامین اسلام به اندازه توان، تکلیف دارد: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...(بقره: ۲۸۶) خدا هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کند» و حکم بر کاری که مشقت آور می باشد به شدت نفی شده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ (بقره: ۱۸۵) خدا آسانی و راحت شما را می خواهد نه دشواری و مشقت شما را.» و حتی هر وقت ضرورتی پیش آید حرام به عنوان حلال مطرح می شود: «...وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ (انعام: ۱۱۹) در صورتی که آنچه را خدا بر شما حرام نموده برای شما بیان کرده است، مگر چیزی که [برای حفظ جانتان] به خوردن آن ناچار شوید». فقها نیز با توجه به این آیات و سایر ادله فقهی، قاعده ضرورت را بنیان نهاده اند. این قاعده با عبارت «الضرورات تبیح المحذورات» مشهور شده است. (ر.ک: ۸) درمان ناباروری ضرورتی فردی و اجتماعی است که به حکم قاعده «الضرورات تبیح المحذورات» می توان حتی برای درمان آن از اسپرم بیگانه نیز استفاده کرد.
اهمیت این مساله تا حدی است که عده ای از فقهای اهل سنت درمان عقیمی را نه تنها جایز بلکه برخی از اقسام آن مانند درمان در حالت زوجیت و بین اسپرم و تخمک زوجین در خارج رحم اگر لازم و ضروری باشد را واجب می دانند. (۵).
در مفهوم ضرورت در این قاعده می توان گفت بر مبنای غالب فقهای امامیه، اضطرار نه به معنای حاجت لغوی و نه به معنای ضرورت عقلی است بلکه نوعی از اضطرار همراه با مشقتی است که نوعا قابل تحمل نباشد؛ به عبارت دیگر در دیدگاه فقهای شیعه منظور از اضطرار، ضرورت عرفی است. (۹)
همچنین قریب به اتفاق فقها ناباروری و عقیمی را بیماری و بسیاری از حالت های آن را ضرورت یا مصداق عسر و حرج دانسته و در نتیجه کشف عورت را در مورد باروری پزشکی جایز می دانند. (ر.ک: ۵) از این حکم می توان استفاده کرد که وقتی کشف عورت که قطعا بر اساس فقه اسلامی حرام است در اثر ضرورت جایز می باشد نفس جانشینی در بارداری که در حرمت آن تردید وجود دارد به طریق اولی در موارد ضرورت جایز است؛ و از این رو یکی از محذورات شرعی در مسیر باروری های پزشکی نیز از میان برداشته می شود و به خاطر ضرورت مباح می گردد.
اصل برائت و اباحه: مهمترین دلیلی که فقها برای جواز استفاده از روش های نوین باروری پزشکی از جمله رحم جایگزین مطرح کرده اند، اصل برائت و اصل اباحه است، این گروه از فقها با استناد به قاعده «اصاله الحل» اذعان می دارند که از نظر فقهی هیچگونه اشکالی بر استفاده از رحم جایگزین وارد نیست، (۱۰) زیرا قاعده اصاله الحل در تمام شبهات حکمیه و موضوعیه جاری است و قانونگذار در مقابل بیان حکم آن ساکت مانده، پس باید اصل را بر جایز بودن مساله گذاشت؛ بنابراین حکم به عدم جواز این عمل خلاف قاعده بوده و نیازمند نص صریح شارع یا دلیل قطعی می باشد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ص ۲۲۵)
مساله جواز یا عدم جواز جانشینی در بارداری از شبهات حکمیه تحریمیه است و مقتضای اصل عملی در شبهات تحریمیه برائت می باشد. اگرچه از روایاتی استفاده می شود که در هنگام شک در

Downloaded from quranmed.com at 12:57 +0430 on Saturday July 17th 2021

مسائل مربوط به فرج و آمیزش و آنچه موجب تولد فرزند می شود باید احتیاط نمود، ولی از این روایات لزوم و وجوب احتیاط برداشت نمی شود. افزون بر اینکه فرض مورد بحث را شامل نمی گردد؛ بنابراین مقتضای اصل در شبهات تحریمیه حتی در باب فروج و آنچه به تولید فرزند می انجامد، برائت است؛ بنابراین روش های نوین باروری پزشکی از جمله رحم جایگزین فاقد حرمت شرعی بوده و مجاز می باشد.

علیرغم تبیین ادله مستحکم و بنیادی در دفاع از مشروعیت باروری های پزشکی، برخی نویسندگان در مخالفت با باروری های پزشکی ادله ای را بیان کرده اند که ضروری است در محک داوری و ارزیابی قرار گیرد. در ادامه به بررسی این ادله می پردازیم.

مفاسد روحی و روانی: «شوهر زنی که از طریق اسپرم بیگانه صاحب فرزند می شود، خود را موجودی ناقص می داند و همین امر در روانش اثر گذار است و منجر به عقده های روانی در او و از هم پاشیدگی نهاد خانواده می شود. زنی که از طریق اهدای اسپرم صاحب فرزند می شود، به این دلیل که فرزند از نظر بیولوژی به او منتسب و در رحم او بزرگ شده است، علاقه خاصی به او دارد و همین امر باعث غرور در او می شود و ممکن است ضعف شوهر را به رخ او بکشد. همین امر آرامش خانوادگی را مختل و سبب طلاق در خانواده می شود. از سویی دیگر تحمل فرزند دیگری و ارتباط صمیمی با او پیداکردن، به خصوص زمانی که طفل فاقد خصوصیات مورد دلخواه والدین گیرنده است برای زوجین دشوار خواهد بود. همه این اسباب بنیان خانواده را باخطر نابودی فراهم ساخته و مصالح عظیم دیگر مد نظر شارع (حفظ نسل و نفس و...) را که در پرتو تشکیل و حفظ نظام خانواده حاصل می شوند، به مخاطره می اندازد»

روش

اشکالی که در باره این دلیل به نظر می رسد آن است که چه ارتباطی بین حفظ نسل و روش های باروری پزشکی وجود دارد؟ چه شباهتی بین عمل شنیع قوم لوط با روش های نوین باروری پزشکی وجود دارد؟ قیاس باروری های پزشکی با اعمال شنیع و زشتی همچون لواط و زنا قیاس مع الفارق است؛ زیرا هم در نیت و هم در شکل رفتارها تناسبی بین این دو نیست. همچنین مساله تضییع نسل نیز در اینجا صادق نیست زیرا مساله حفظ نسل باید خود مورد کاوش و فهم قرار گیرد. در مساله نسب دو احتمال وجود دارد:

احتمال نخست:

این که تنها ملاک، نطفه باشد، یعنی دو جزء از آب مرد و زن که از پشت و پهلو بیرون می آید و جنین از ترکیب آنها با یکدیگر حاصل می شود. برای اثبات این احتمال، استدلال به آیات و روایاتی چند ممکن است:

۱. «ایحسب الانسان ان یترک سدی. الم ید نطفۀ من منی یمنی. ثم کان علقۀ فخلق فسوی. فجعل منه الزوجین الذکر و الانثی (قیامت: ۳۶) » آیا انسان می پندارد بیهوده واگذاشته می شود؟ آیا نه آن که نطفه ای از منی که بیرون داده می شود بود و سپس علقه شد و آن گاه او را به اندام درست بیافرید و از او دو جفت نر و ماده برآورد؟

۲. «هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئا مذکورا. انا خلقنا الانسان من نطفۀ امشاج نبتلیه فجعلناه سمیعا بصیرا. (انسان: ۱) آیا پاره ای از زمان بر انسان گذشته است که در آن هیچ نام بردار نبود؟ ما انسان را از نطفه ای آمیخته که او را می آزماییم، آفریدیم و سپس او را شنوا و بینا کردیم.»

۳. «و انه خلق الزوجین الذکر و الانثی (نجم: ۴۵) او دو جفت نر و ماده را بیافرید.»

۴. «و لقد خلقنا الانسان من سلالۀ من طین. ثم جعلناه نطفۀ فی قرار مکین. ثم خلقنا النطفۀ علقۀ فخلقنا العلقۀ مضغۀ فخلقنا المضغۀ عظاما فکسونا العظام لحما ثم انشاناه خلقا آخر فتبارخ الله احسن الخالقین. (مومنون: ۱۲) ما، انسان را از برون چکیده ای از خاک بیافریدیم و سپس او را نطفه ای، در جایگاهی آرام و استوار، قرار دادیم، سپس آن نطفه را زالو کردیم، پس آن زالو را پاره گوشتی به هم فرو آمیخته کردیم، آن گاه آن پاره گوشت را استخوان کردیم، پس بر آن استخوان گوشت پوشانیدیم و سپس آن را به خلقتی دیگر پدید آوردیم. بزرگی خدای راست، آن برترین آفریدگاران»

احتمال دوم:

نطفه و تعلق نطفه به شخص، تنها ملاک نسب نیست، بلکه می توان فرزند را به غیرنطفه نیز نسبت داد. برای اثبات این نظر نیز، به آیات قرآن استدلال می شود، از آن جمله:

۱. «الذین یظاهرون منکم من نساءهم ما هن امهاتهم ان امهاتهم الا اللائی ولدنهم و انهم لیقولون منکرا من القول و زورا و ان الله لعفو غفور (مجادله: ۲).» کسانی که با زنان خود ظهار می کنند، آنان مادرانشان نیستند. مادرانشان تنها کسانی هستند که آنان را زاده اند و آنان سخنی دروغ و ناپسند می گویند و خداوند با گذشت و بخشاینده است. جهت استدلال به این آیه روشن است، چه، آیه به صراحت بر این دلالت دارد که «مادر»، تنها همان زنی است که نوزاد را می زاید، خواه نطفه از او و همسرش باشد و خواه نه. اطلاق این دلیل همه صورتهای یاد شده را در بر می گیرد. اما حق آن است که مقدمات حکمت، نسبت به موضوع مورد بحث ما، فراهم نیست; چرا که آیه در مقام نفی مادر بودن، از زنانی است که با آنان ظهار شده است، نه آن که در مقام اثبات باشد، تا درنتیجه بتوان برای آن اطلاقی تصور کرد.

۲. «یخلقکم فی بطون امهاتکم خلقا من بعد خلق فی ظلمات ثلاث ذلکم الله ربکم له الملد لا اله الا هو فانی تصرفون (زمر: ۶) او شما را در شکم مادرانتان خلقتی پس از خلقت و در ظلمتهای سه گانه می آفریند. این پروردگار شماست که ملک از اوست و خدایی جز او نیست. کجا رویتان برگردانده می شود؟ جهت استدلال به آیه این است که «خلقتی پس از خلقت» در ایجادی جدید از موادی دیگر بر روی ماده آغازین نطفه و جنین ظهور دارد و بنا بر این، نسبت و نسب تنها به نطفه و جنین منحصر نیست، بلکه می توان فرزند را به دیگر موادی که زن صاحب رحم، آنها را فراهم کرده و در این هنگام، شوهرش برای او خرج کرده است، نسبت داد. شاید آن آیه دیگر نیز، اشاره به همین باشد که فرمود: «الله یعلم ما تحمل کل انثی و ما تغیض الارحام و ما تزداد و کل شی ء عنده بمقدار.» خداوند می داند که هر زنی به چه باردار است و رحمها چه می کاهد و چه می افزاید. هر چیز نزد او به اندازه است. در این جا، کاستن از نوزاد در رحمها به فاسد کردن، بلعیدن و کم کردن از آن و همچنین افزودن بر نوزاد در رحم، یا در مدت آبستنی، چیزی نیست مگر همان «خلقت پس از خلقت» بر پایه آنچه اندازه اش نزد خداوند معین شده است. این افزودن به جنین، خواه یکی باشد و خواه چند تا به مواردی دیگر بر می گردد که متعلق به زن، یعنی صاحب رحم است و بر این پایه، نسبت به نطفه منحصر نمی شود. گواه این مطلب، روایات باب رضاع است که «پدری» و «مادری» و بلکه نسب را مطلق قرار می دهد، از اثرگذاری شیر در این مساله و بلکه از اثرگذاری شوهر دایه که خرجی او را می دهد و همچنین تاثیر دین و خلق و خوی دایه، سخن به میان می آورد و می گوید: «باید زنی را برای شیر دادن برگزید که دارای خویی پسندیده و ستوده باشد، نه آن که زشت و بدنهاد یا یهودی باشد «.اینک به پاره ای از این روایات اشاره می کنیم:

۱. «محمد بن علی بن الحسین باسناده عن الحسن بن محبوب عن هشام بن سالم عن برید العجلی عن ابی جعفر (ع) فی حدیث ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب. به واسطه شیر دادن، همان چیزهایی حرام می شود که به واسطه نسب.

Downloaded from quranmed.com at 12:57 +0430 on Saturday July 17th 2021

در حدیثی دیگر همین معنی از امام صادق (ع) روایت شده است:
۲. «محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی نجران عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله (ع) قال: سمعته یقول: یحرم من الرضاع ما یحرم من القرابة (همان).» به واسطه شیر دادن، همان چیزهایی حرام می شود که به واسطه خویشاوندی [نسبی]. روایات دیگری نیز به این معنی آمده است. در روایت اخیر، مقصود از قرابت، همان نسب و خویشاوندی نسبی است.
در این دسته از روایات، حرام بودن حاصل از شیردهی، به الحاق آن به نسب، به این بر می گردد که دایه شیر ده، به منزله مادر و مردی که خرجی دایه را می دهد و شوی اوست، به منزله پدر دانسته شده و این بدان، معناست که «شیر» در تحقق «پدری» و «مادری» اثر دارد، این هم معلوم است که چنین حکمی، مستند به یک اعتبار جعلی شرعی نیست، بلکه حکم بر یک موضوع خارجی و رعایت تاثیر و تاثر است.
این مطلب، بویژه با عنایت به نکاتی چند که در این روایات است روشن تر می شود:
–ملاحظه تعداد و عدد، به شیردهی یک شبانه روز، یا پانزده بار پی در پی، یا آن اندازه که گوشت بروید و استخوان محکم شود.
– قید این که می بایست کودک، به طور مستقیم از پستان دایه شیر بخورد و خود به خود در هر بار شیردهی پستان را واگذارد.
– این نکته که پس از پایان دوران شیردهی [یعنی دو سال] رضاع و حرام بودن رضاعی وجود ندارد.
– آوردن این شرط که می بایست شوی دایه، یا کسی که دایه را خرجی می دهد یک نفر باشد، هر چند دایگاه فراوان و گونه گون باشند؛ و...
بر پایه آنچه تاکنون آوردیم، فرزندی که از راه باروری مصنوعی پدید می آید، در همه صورتهای یاد شده، پاک است و صاحبان آن دو جز نخستین، یعنی اسپرم و اوول، پدر و مادر او هستند و او دارای همه حقوق و تکالیفی است که هر فرزند دیگر دارد، خواه یکی از دو صاحب آن اجزای نخستین یا هر دو، شناخته و معین باشند و خواه ناشناخته و نامعین. البته با این تفاوت: آن جا که پدر ناشناخته مانده یا مادر ناشناخته مانده، فرزندی که پدید آمده است «ناشناخته پدر» یا «ناشناخته مادر» است، نه آن که بدون پدر یا بدون مادر باشد. از این هیچ اشکالی هم لازم نمی آید؛ چه، این گونه نیست که هر کس پدرش ناشناخته باشد، ناپاک باشد، بلکه گاه، آن که پدری شناخته دارد، ناپاک است، همانند آن که مرد با زنی زنا کند و آن گاه زن بدون آن که با مردی دیگر همبستر شده باشد، آبستن شود.
زنی هم که فرزند را در رحم پرورانده است و جزء نخستین از او نیست، اگر فرزند را با همان شرایط باب رضاع شیر دهد، مادر رضاعی اوست و گرنه، به احتیاط نزدیک تر آن است که گرچه مادرش شمرده نمی شود، اما با این حال، بر او حرام باشد; چرا که او را در بدن خود تغذیه کرده و وی به کمک دستگاههای بدن همین زن از نطفه به علقه بدل شده و به همین ترتیب دیگر مراحل را پشت سر نهاده تا به حد پذیرش منشا زندگی، یعنی روحی که از جانب خداوند در او دمیده می شود، رسیده است. (۱۱)
به هر روی، حتی اگر برخی به حرمت بعضی از گونه های باروری های پزشکی بشوند، حرمت آن مانع صحت و مشروعیت نسب نخواهد بود و مساله حفظ نسل نیز پابرجاست و تضییعی به وجود نمی آید؛ زیرا کشف ملاک نفی نسب در زنا برای تنقیح و تعمیم آن ملاک در سایر موارد مشابه، به سهولت ممکن نیست و شاید مباشرت نامشروع نیز جزء دخیل در نفی نسب است؛ یعنی تنقیح مناط و تعمیم حکم وضعی نفی نسب در زنا بر این موارد متعسر است؛ به ویژه، آنکه دیدگاه نفی نسب ناشی از زنا نیز امری اتفاقی و اجماعی نیست و برخی از بزرگان معاصر مانند محقق خویی، نسب را در حتی در ولدالزنا ثابت می داند و تنها برخی احکام مانند ارث را از او استثنا کرده است. (موسوی خوئی،۱۴۱۸، ج ۹، ص ۳۰۶) همچنین آیت الله خویی، صاحب رحم را به تنهایی یا همراه صاحب تخمک، مادر این فرزند یا محرم نسبت به او دانسته است. (۱۲). بنابراین و با توجه به استدلال های که بیان شد و عدم تضییع نسل و همچنین فتوای فقیهان بزرگی مانند محقق خویی جایی برای استناد به حفظ نسل و ...باقی نمی ماند.
اضرار به غیر: «نکته حائز اهمیت دیگر مساله اضرار به دیگری است. در برخی روش های باروری پزشکی همچون اهدای گامت و جنین، برخی بیماری های وراثتی به خانواده گیرنده منتقل می شود. در آزمایش های که پزشک انجام می دهد فقط امکان تشخیص بیماری های ظاهری و بیماری های دستگاه تناسلی وجود دارد، اما بیماری های وراثتی بیماری های پنهانی هستند که شناخت آن ها برای پزشک کار آسانی نیست، لذا برای رفع این مشکل، طبق قاعده لاضرر و احترام به استقلال فردی، این حق برای والدین قابل شناسایی می باشد که از امکان غربالگری (screening) گامت یا رویان اهدایی پیش از کاشته شدن در رحم استفاده کنند».
هرچند ارائه دهندگان این دلیل خود اذعان کرده اند که این حق برای والدین وجود دارد که از امکان غربالگری استفاده کنند و در نتیجه ضرری متوجه آنها نیست. لکن در نقد این دلیل باید گفت:
اولا: لسان ادله لاضرر، لسان نفی حکم است نه اثبات حکم؛ به عبارت دیگر لاضرر، نفی حکم ضرر می کند نه اینکه بتواند اثبات حکم نماید؛ بنابراین برای اثبات حکم عدم جواز باروری های پزشکی نمی توان به این قاعده استناد کرد. ثانیا: در روش های باروری پزشکی، پس از مشاور حقوقی و تشریح قرارداد و اخذ رضایت آگاهانه، متخصص زنان و زایمان سلامت باروری بانوی صاحب رحم را ارزیابی می کنند. سلامت متعارف جسمی و روانی، نداشتن اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان، عدم ابتلا به بیماری صعب العلاج، عدم وجود فاکتورهای مسبب بارداری پرخطر و آمادگی جسمی و روانی بانوی صاحب رحم و همسرش باید از سوی گروه پزشکی بررسی و احراز شود. در این خصوص، مشاوره و ارزیابی عمومی بالینی و پاراکلینیک، مشاوره و ارزیابی بیماری های داخلی، عفونی و نیز مشاوره و ارزیابی سلامت روانی اجتماعی انجام می شود. با این همه جای تعجب است که به اضرار به غیر تمسک می شود؟ ثالثا: مگر در ازدواج های رسمی هم آزمایشات در خصوص بیماری های وراثتی از زوجین اخذ می شود و یا وجود چنین بیماری های از اسباب فسخ نکاح می باشد؟ تا در باروری های پزشکی چنین توقعی برود که بیماری های وراثتی به جنین منتقل نشود؟

یافته ها

مطالعه موردی روش های باروری پزشکی: از میان روش های باروری پزشکی به عنوان نمونه دو مورد که شیوع بیشتری نیز دارند مورد بررسی و تجریه و تحلیل قرار می دهیم.
رحم جایگزین با استفاده از جنین حاصل از اسپرم و تخمک زوجین نابارور: این قسم جانشینی در بارداری از دو مرحله جمع آوری اسپرم و تخمک زوجین نابارور و بارور کردن آنها با یکدیگر و همچنین بارور کردن رحم مادر جانشین با تخمک مزبور یا جنین حاصل از آن تشکیل می شود .مرحلهٔ نخست آن، یعنی نفس عمل جمع آوری اسپرم و تخمک از زوج نابارور در صورتی که دارای مقدمات حرامی مانند نگاه، لمس نامحرم و خودارضایی نباشد و همچنین بارور کردن تخمک زن با اسپرم همسرش در داخل یا خارج رحم، از نظر فقهی منعی ندارد و در منابع فقهی، دلیلی بر عدم مشروعیت این موارد نیست .در نتیجه، فقها نیز بنا به نبود وجود دلیل بر حرمت و با استناد به اصل اباحه، آن را جایز دانسته و فتوایی بر حرمت آنها ندارند (۵)
اما مرحله دوم آن، یعنی بارور کرد ن رحم زن دومی با تخمک بارورشده یا جنین رشدیافته از آن را می توان بر اساس وجود

Downloaded from quranmed.com at 12:57 +0430 on Saturday July 17th 2021

رابطه زوجیت اعم از موقت و دائم بین مرد صاحب اسپرم و زن صاحب رحم به دو صورت تقسیم کرد.
صورت اول :جنین به رحم زنی که با مرد صاحب اسپرم رابطه زوجیت دارد، انتقال داده می شود که در این صورت دلیلی بر حرام بودن آن نیست .چرا که اسپرم و تخمک زوجین در زمان زوجیت ترکیب شده و حمل نیز در رحم مباح و با رضایت همسر دوم و زوجش قرار گرفته و صرف طبیعی نبودن عمل سبب حرمت آن نمی گردد.
روایات مربوط به قراردادن نطفه در رحم حرام مانند روایات «من اقر نطفته فی رحم یحرم علیه»، «افْرِغَ مائه فی إمراهٔ حراماً« و «لتضیعه النطفه و لوضعه ایاها فی غیر موضعه الذی امره الله» شامل موضوع بحث نمی شود، چون رحم همسر دوم بر مرد حلال است و اختلاط اسپرم با تخمک همسر و انتقال آن به رحم همسر دیگر این مرد هیچ گونه حرامی را در پی ندارد (۵) خصوصا که دلیلی بر ممنوعیت عمل وجود ندارد و اصل عمل با قطع نظر از عوارض و آثارش مجرای اصل برائت و اباحه است، چنان که عده ای از فقها به جواز آن تصریح کرده اند. (ر.ک: ۵)
صورت دوم: موردی که جنین به رحم زنی منتقل شود که با مرد صاحب اسپرم رابطه زوجیت ندارد .در مورد این مسئله اختلاف نظر بیشتر است و دیدگاه های فقهی و فتاوایی در جواز و عدم جواز آن وجود دارد.
از بررسی دلایل جواز و عدم جواز جانشینی در بارداری روشن است که این صورت دارای منع شرعی نمی باشد همچنین می توان بر جواز این مورد چنین استدلال کرد که حفظ جنین چه در دستگاه مصنوعی و چه در رحم، ولو در رحم بیگانه واجب است، اگر وجوب آن احراز نشود، لااقل جواز آن احراز می گردد.
جنین را نباید از بین برد، بنابراین انتقال آن به رحم بیگانه منعی ندارد، زیرا دلیلی بر حرمت آن در شرع وجود ندارد و حتی بر زن زناکار حرام است که جنین بوجود آمده را سقط کند .با عدم دلیل بر حرمت انتقال جنین به رحم بیگانه، برابر اصل حلیت و اصل برائت حکم بر جواز آن می شود .زیرا این قسم نیز از شبهه های بدوی تحریمی است و در مورد آن نیز برائت شرعی و عقلی جاری می شود. (۱۱)
ب -روش رحم جایگزین در موارد تلقیح اسپرم و تخمک بیگانه
این حالت در تمام مواردی که یکی از زوجین نابارور فاقد گامت (اسپرم/تخمک) می باشند، قابل تصور است .به عبارت دیگر در تمام مواردی که جنین منتقل شده به رحم جایگزین از اسپرم و تخمک دو بیگانه بدون رابطه زوجیت تشکیل شده داخل در این حکم می باشند.
از دیدگاه آیات قرآن نفس لقاح اسپرم و تخمک زن و مردی بیگانه در خارج از رحم منعی ندارد چرا که این آیات ناظر به حفظ فروج است و این عمل هیچ مغایرتی با حفظ فروج ندارد .
همچنین نفس عمل ترکیب اسپرم با تخمک تحت عناوین مندرج در روایاتی نظیر «افراغ ماء الغیر فی رحم محرم» و یا «ادخال النطفه فی رحم حراما» قرار نمی گیرد چرا که تلقیح در اینجا به معنای ریختن منی مرد در رحم زن نیست .بلکه منی تجزیه می شود و از میان اسپرم های فراوان موجود در آن، اسپرمی که سالم و زنده است، گزینش شده و سپس همین اسپرم
با تخمکی که در رحم پدید آمده، در فضایی بیرون از رحم، تلقیح می شود.
بنابراین شمول روایات نسبت به فرض ما بسیار بعید به نظر می رسد. (همان، ص ۹۸) در این مورد تعدادی از فقهای بزرگوار ضمن اعتراف به نبود نص، عموم یا اطلاق قرآنی و روایی بر منع تلقیح اسپرم غیر شوهر تنها به دلیل مغایرت این عمل با اغراض تشریع ازدواج یا مذاق شرع «روح قانون در اسلام« آن را حرام می دانند. (۱۳)
در مورد تلقیح اسپرم غیر شوهر می توان نظرات را به دو دسته تقسیم کرد .عده ای این نوع تلقیح را به طور مطلق و در هر صورتی حرام می دانند و در هیچ صورتی آن را مجاز نمی دانند (۱۴) اما در مقابل گروهی تلقیح اسپرم غیر شوهر را به طور مطلق جایز دانسته و صرفا بدین استناد که این عمل یعنی قراردادن نطفه غیر و لو ناشناس در رحم زن بیگانه، زنا محسوب نمی شود، این عمل را مطلقا مجاز می دانند. (۱۱)
در قبال نظر انعطاف ناپذیر دسته اول، که بی جهت موجب محرومیت برخی از زوجین از برخورداری از نعمت فرزند می شود، نظر مطلق دسته دوم تولید نسل انسان را در ردیف تولید نسل حیوانات قرار می دهد .اطلاق نظر دوم انسان را بدین سمت سوق می دهد که دیگر طهارت نسل و جلوگیری از اختلاط انساب مفهومی ندارد.
از بررسی نظرات بعضی از فقها نیز این حکم به روشنی قابل استنباط است به عنوان مثال حضرت آیت الله خامنه ای در سخنرانی که در ۱۶ آبانماه ۱۳۷۴ می فرمایند: «دلیل روشنی بر حرمت انجام اینگونه امور (استفاده از اسپرم و تخمک غیر همسر) نداریم، هزاران نفر از انسانها شب خوابشان نمی برد، چون بچه ندارند، مگر می شود اینگونه عمل کرد».)۱۴)
ج -تزریق مستقیم اسپرم زوج نابارور یا بیگانه به داخل رحم مادر جانشین
در مورد این حالت بعضی از نویسندگان تلاش کرده اند تا با تفسیر روایات حکم به جواز این مورد بدهند. (یزدی، همان، ص ۷۲) به این بیان که این روایات در جهت بیان حکم زنا و روابط نامشروع می باشد و موضوع مورد بحث از تحت حکم این روایات خارج است؛ اما به نظر نگارنده این صورت مشمول نص صریح روایات است بنابراین از جهت حکم اولی، جایز نمی باشد، اما ازجهت حکم ثانوی و از باب ضرورت نیز، از آنجا که در هیچ صورتی انجام آن ضرورت پیدا نمی کند نمی توان به حکم ثانوی و وجود ضرورت حکم به جواز این صورت داد چرا که در هر حالتی می توان اسپرم زوج و تخمک مادر جانشین را در محیط آزمایشگاه ترکیب و سپس تخمک بارور شده یا جنین حاصل از آن را به رحم مادر جانشین انتقال داد .در نتیجه این صورت به طور مطلق مجاز نیست.

نتیجه گیری

در این پژوهش مساله باروری های پزشکی از منظر مقاصد شریعت و آیات مُبیّن مقاصد شریعت مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و نتایج زیر حاصل گردید:
۱-با دقت در آیه شریفه ۲۱ سوره روم چنین استنباط می شود که مقصد و هدف شارع مقدس از تشریع ازدواج، آرامش و ایجاد مودت و مهربانی بین زوجین است، بنابراین اعمال و رفتارهایی که در صدد تحقق این هدف قرار گیرد مشروع می باشد؛ که یکی از این رفتارها، روش های نوین باروری پزشکی است.
۲-آیه شریفه ۱۵۸ سوره بقره نیز یکی از مقاصد شریعت را ایجاد آسانی و یُسر برای مردمان و دوری آنها از مشقت و حرج معرفی می نماید؛ بنابراین اگر حکم به عدم جواز روش های نوین باروری داده شود برای زوجین مشقت و سختی های جبران ناپذیری که کانون خانواده را از هم می گسلد به وجود می آید که این حکم با مقصد عالی شریعت در تضاد است.
۳- قاعده مصلحت نیز که یکی از مهمترین قواعد فقهی است و خود به نحوی هم از علل تشریع و هم از مقاصد شریعت محسوب می شود موید مشروعیت باروری های پزشکی است زیرا مصالح این روش ها که برای زوجین متصور است و همچنین مانع شدن این روش ها از بروز مفاسدی همچون طلاق و متلاشی شدن خانواده ها همگی موید مشروعیت چنین روشهایی می باشد.

Downloaded from quranmed.com at 12:57 +0430 on Saturday July 17th 2021

۴-قاعده ضرورت نیز مشروعیت باروری های پزشکی را به اثبات می رساند و برخی مفاسد جزئی را توجیه می نماید. هرچند این توجیه گیری زمانی است که به هیچ طریق نتوان از آن مفاسد جزئی خلاصی یافت.

۵-اصل اباحه و برائت نیز یکی دیگر از ادله ای است که می توان برای مشروعیت باروری های پزشکی از آن بهره جست؛ زیرا مساله جواز یا عدم جواز جانشینی در بارداری از شبهات حکمیه تحریمیه است و مقتضای اصل عملی در شبهات تحریمیه برائت می باشد.

۶- مخالفان مشروعیت باروری های پزشکی نیز به ادله همچون: مفاسد روحی و روانی، حفظ نسل، اضرار به غیر تمسک کرده اند که با بررسی و نقد آنها مشخص گردید این ادله فاقد توان اثبات چنین مدعای است.

References

1. Firoozabadi, Mohammad Ibn Ya'qub, Dictionary of the Environment, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya, first edition 1420
2. Ibn Manzoor, Mohammad Ibn Mukarram, Arabic Language, Tehran, Dar Al-Sadr 1997
3. Ibn Nashur, Muhammad Tahir, The Purposes of Islamic Sharia, Research: Muhammad Tahir Misawi, Jordan, Dar al-Nifais, Second Edition 1421
4. Shelby, Mohammad Mustafa, Ta'il al-Ahkam, Beirut, Dar al-Nahda al-Arabiya, first edition. 1406
5. Rezania Moallem, Mohammad Reza, Medical Fertilizers from the Perspective of Jurisprudence and Law, Qom, Book Park. 2004
6. Nayebzadeh, Abbas, Legal Review of New Methods of Artificial Reproduction, First Edition, Majd Publications, Tehran, 2001
7. Alidoost, Abolghasem, Jurisprudence and Expediency, Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Thought. 2010
8. Taheri, Mohammad, Rules of Jurisprudence, Qom, Islamic Publications. 2008
9. Najafi, Mohammad Hassan, Jawahar al-Kalam, Tehran, Islamic Library. 1422
10. Makarem Shirazi, Nasser, New Referendums, Qom, Ali Ibn Abi Talib School (AS). 2002
11. Yazdi, Mohammad, Artificial fertility and its jurisprudential ruling, Ahl al-Bayt jurisprudence magazine, second year, numbers 5 and 6, p. 97. 1996
12. Mousavi Khoei, Seyyed Abolghasem, Sarat Al-Najah, Qom, Al-Muntakhb Publishing School. 1416
13. Mirhashemi, Sarvar, Artificial Insemination in Legal Jurisprudential Thought and Its Pros and Cons, Nedaye Sadegh Magazine. No. 36, Year 9, 2004, p. 86. 2004
14. Rouhani Aliabadi, Mohammad, (2003), The Shari'a Rule of Inoculation of Foreign Sperm and Sperm, New Methods of Human Reproduction from the Perspective of Jurisprudence and Law (Collection of Articles), Tehran, Ibn Sina Research Institute, 2003, p. 287